

آثار و اشتمندان معاصر

احمد بهمنیار

استاد دانشگاه

مقدمه بر کتاب

شرح حال و آثار صاحب بن عباد

۵۶

بنام خداوند بخشنده مهر بان

ملت ایران در زندگی چند هزار ساله خود چند نوبت دو چار محنت و فترت عظیم شده و در برابر حملات اقوام بیگانه استقلال خود را بطور موقت ازدست داده است و در هر نوبت فرزندان لایق ایران برای رهانیدن خود از پنجه قهر و استیلاى اجنبی برهنمائی هوش اجتماعی، نه تدبیر يك یا چند فرد معین، روشی خردمندانه اختیار کرده و چنانکه از تأمل در تواریخ استنباط میشود نخست قوم غالب را تحت نفوذ ادبی و اخلاقی خود درآورده و بتدریج بر او و کارهای او استیلا یافته و با متانت و بردباری که از مزایا و خواص ایرانی بشمار میرود در تقویت خود و ضعیف ساختن خصم کوشیده و آنگاه در فرصتی مناسب بر او تاخته و دستش

را از تصرف در امور مملکت و وطن کوتاه ساخته اند *

یکی از آن مواقع که خوشبختانه جزئیات وقایعش در تواریخ مضبوط و اطلاع بر چگونگی آن میسر است موقع هجوم و استیلای عرب است که از حوادث بزرگ عالم بشمار میرود *

ملت ایران در این موقع آئین همین اسلام و شریعت سهل و سبب محمدی (ص) را پذیرفتارشد و زبان عربی را برای مقاصدی که مهمترین آنها فهم معانی کتاب و سنت بود فراگرفت، و چنانکه در فصلی دیگر اشاره شده است اشتغال عرب را بفتح و غنیمت و حکومت و ریاست مغنم شمرد و بتفصیلی که از تواریخ ادبی مستفاد میشود در زمانی اندک سلطنت علم و ادب را که قدرتش بالاترین قدرتهاست بدست آورد و عرب را در آموختن قواعد زبانی که بدان تکلم میکردند و در تعلم احکام و مسائل دینی که افتخار نشر و ترویج آنرا خاص خود میدانستند، بخود محتاج ساخت *

ملت ایران بر خلاف اغلب ملل و اقوام مغلوبه مستهیل بعنصر غالب نشد و پیروی آئین مقدس اسلام را با حفظ آداب و رسوم ملی خود توأم ساخت و با استفاده از زبان عربی زبان مادری و وطنی خود را محفوظ داشت، و دانشمندانش ریاست علمی و ادبی و مذهبی را بخود اختصاص دادند و زبان عربی را در بیان افکار و عواطف و اظهار آراء و عقاید خود استخدام کردند و بنیروی فضل و دانش جهان اسلام را یکسره بزیر نفوذ ادبی و اخلاقی خویش درآوردند. اولین بهره‌ئی که ایرانیان از این نفوذ و قدرت معنوی بردند منقرض ساختن بنی امیه و روی کار آوردن بنی عباس بود. ایرانیان با تأسیس حکومت عباسی دست اعراب را از تصرف در امور

مملکت اسلامی کوتاه کردند و خود بر ادارات و دوایر سیاسی و اجتماعی استیلا یافتند و هنگامی که ضعف خلفای عباسی بحد نصاب رسید اسوای استقلال در اطراف مملکت برافراشتند و خود را از بندبندگی وزیردستی آزاد ساختند .

ملت ایران این مرحله را در مدت دو قرن و نیم تقریباً با قدم صبر و امید طی کرد و در طول این مدت از بین این دانشمندان و ادبا و فقها و حکما و شعرا و نویسندگان و وزرا و سرداران نامی قیام و هر یک بسهم و نوبت و بفرخور استعداد و لیاقت خود در تأیید و تشدید جنبشی که بطبع و فطرت شروع شده بود بنوعی اقدام کردند و از دانش و هنر و لیاقت و کفایت ذاتی خود آثاری مهم بیادگار گذاردند .

ایرانیان در استقلال جدید آئین مبین اسلام و زبان عربی را محفوظ و محترم داشتند و تمدنی را که از منضم ساختن آئین بآداب و رسوم ملی ایرانی بوجود آورده بودند، خود زمامدار و مروج شدند، و کشور ایران مرکز علوم و آداب و صنایع و سایر شئون تمدن اسلامی شد و علما و فلاسفه این کشور در مدت چهار قرن جهانرا از آثار و مؤلفات خود که اغلب بزبان عربی بود پر کردند و ادبا و نویسندگان با کوششی که در تکمیل و ترویج ادبیات فارسی داشتند بزبان عربی نیز شعر گفتند و رسایل و مقالات ادبی نوشتند .

عده دانشمندان و حکما و ادبا و نویسندگان و شعرا که از ظهور اسلام تا اوایل قرن هفتم هجری از بین ایرانیان برخاسته اند از حد شمار خارج و احصای آثار و مؤلفات عربی که دوثلث بلکه سه ربع آثار علم و ادب عرب را تشکیل می دهد تقریباً محال است ، ولی متأسفانه اسامی و آثار

بیشتر آنها مخصوصاً باشندگان قرن دوم و سوم اسلامی و کسانی که آثار خود را فقط به عربی انتشار داده‌اند، بر هموطنان آنها مجهول مانده و اغلب حتی از ملیت آنها که آیا عرب بوده‌اند یا ایرانی اطلاع ندارند، و در نتیجه این عدم اطلاع یا عدم توجه اسامی بسیاری از آن فضلا و دانشمندان از دفتر رجال ایران محو و در فرست رجال نامی عرب ثبت و آثارشان با آثار علم و ادب عرب معروف شده و معدودی هم که بایرانی بودن معروفند درجه و مقدار فضل و دانش و علو افکار و اهمیت آثارشان چنانکه باید و شاید مورد توجه نگردیده و حاصل سخن اینکه ملت ایران در نوایب و مصایب که چند نوبت از حمله و هجوم اجانب بر او وارد شده است، همچنانکه قسمتی از آثار تمدن عظیم و قدیم خود را از دست داده عده ای از رجال نامی خود را نیز فراموش کرده و بدیگران اجازه داده است که آنها و آثار آنها را بخود منسوب دارند.

۵۹

کسانی که در تاریخ ادبیات عرب تألیفی کرده‌اند بیشتر شان گویندگان و نویسندگان فارسی نژاد را که به عربی سخن گفته و یا کتب و رسایل نوشته‌اند در ردیف گویندگان و نویسندگان عرب محسوب و آثار آنها را از آثار علم و ادب عرب قلمداد کرده‌اند، در صورتیکه این معنی در جای خود ثابت و محقق است که ادبیات هر قوم نماینده افکار و عواطف و اوضاع و احوال زندگی اجتماعی خود آن قوم است اگر چه ادبیات را بزبانی غیر از زبان مادری خود منتشر ساخته باشند، و اگر جز این بود تاریخ ادبیات اقوام و ملل این همه اهمیت نیافت و دانشمندان، آنرا مفیدترین رشته تاریخ نمیخواندند، ادوار دبرون در تاریخ ادبیات فارسی فصلی مشبع در این معنی نوشته و در مقام مثال آوردن تصریح کرده است که

اشعاری را که بومیان هند بزبان فارسی گفته‌اند از ادبیات فارسی محسوب
توان داشت زیرا آن اشعار نماینده افکار و احساسات بومیان هند است
نه مردمان ایران زمین *

مطابق این اصل ثابت و مسلم کلیه آثار منظوم و منثوری که
گویندگان و نویسندگان ایرانی نژاد بزبان عربی آورده اند جزء آثار
ادبی ایران است و آنها را جز از این حیث که در غالب الفاظ عربی
ریخته شده است بعربیت موسوم و موصوف نمیتوان داشت. اسماعیل بن
یسار و بشار بن برد را که یکی در عصر اموی و دیگری در عصر عباسی
میزیسته است معمولاً از شعرای عرب می‌شمرند در صورتی که آن یکی
در اشعار خود مفاخر ایران باستان را یاد می‌کند و این یکی در قدح
و ذم اعراب قصاید و قطعات می‌گوید بدیهی است که اینگونه معانی
و مضامین نماینده عواطف و احساسات ایرانی است نه عرب. خلاصه
اینکه آثار ادبی و علمی ایرانیان که به عربی انتشار یافته است همه از
آداب فارسی و هریک در حد و مقام خود نموداری از افکار و عواطف
و تخیلات و تصورات ایرانی است، و بر دانشمندان ایران لازم است که
بدان آثار عطف توجهی کنند و علما و ادبای ایرانی نژاد را که نام
و آثارشان در حجاب تکلم بعربی مستور مانده است بهموطنان خود
بشناسانند و معانی و مضامین شعری آنها را که بعضی از ذوق لطیف و
برخی از فکر روشن و پاره ای از غلبه وطن دوستی یا علو مقام علمی
آنها حکایت می‌کند مورد بحث و دقت قرار دهند و بوسیله نوشتن مقامات
و تالیف رسایل و ایراد خطابه‌ها این معنی را روشن سازند که ایرانیان
در عصر اسلامی افکار و احساسات خود را بدوزبان فارسی و تازی

اظهار و و در ادبیات و علوم و حکم بدان دو زبان کتابها و ساله ها
تالیف کرده اند و آثار ایشان بهر زبان که باشد از آثار علم و ادب
فارسی است .

بعضی را میشناسیم و دیده ایم که چون در دانشنامه ئی اروپائی
بعبارت (ابوعلی سینا فیلسوف عرب و محمد زکریا طیب عرب) بر میخورند
خشمناک میشوند و بر نویسنده اعتراض میکنند که چگونه در امری
واضح با اشتباه افتاده است لیکن از تصور اینکه هزاران نویسنده و ادیب
و فقیه و مفسر و محدث و طیب و منجم و فیلسوف ایرانی در تذکره ها
و تواریخ بعربیت معرفی شده اند اظهار تائری نمیکنند و غمی نمیخورند
در صورتی که همان قسم که ابوعلی سینا و محمد زکریا از مفاخر
ایران بشمار میروند سیبویه و کسائی و بیعه الرای و حسن بصری و اسمعیل
بن یسار و بشار بن برد و ابوالعتابه و ابو معشر و بنی موسی و امثال
و اقران ایشان نیز هر یک در حد خود و بفراخور رتبه و مقام خود از
مفاخر ایرانند و باید از شرح حال و آثار و افکار و احساسات و اقدامات
هر یک در بلند ساختن نام ایران و تزئید نفوذ و قدرت علمی و ادبی
ایرانیان آگاه و مطلع باشند و بدانند که نیاکان آنها در هر موقع
و هر عصر حتی در ایام بلا و محنت نمونه لیاقت و فعالیت و وطن
دوستی بوده و همه از روی طبع و فطرت برای یک مقصد عالی کوشش
مینمودند و خط مشی اجتماعی آنها سر بلند ساختن و محترم داشتن
عنصر ایرانی و استوار ساختن نفوذ معنوی و قدرت روحانی و بالمال
باز یافتن استقلال از دست رفته یا نگاه داشتن استقلال بدست آورده
بوده است

یکی از رجال ایران که در تاریخ ادبیات عرب از عوامل مهم نشر و ترویج ادبیات عربی و (بتعبیر صحیح ادبیات فارسی بزبان عربی) بشمار میرود و اغلب مورخین و تذکره نویسان او را از مروجین و وجدین ادبیات عربی پس از يك قرن فترت میدانند صاحب بن عباد است که در قرن چهارم میزیسته و در عصر خود بزرگترین و محترم ترین و زراور رجال سیاسی ایران بشمار میرفته است صاحب ابن عباد را اغلب بنام یکی از وزرای نامی ایران میشناسند و بعضی هم او را در تعصب برای عرب بدون اینکه از چگونگی و علل و اسباب آن مطلع باشند مورد اعتراض قرار میدهند ولی از فضایل و معلومات و محامداخلاقی و مساعی او در ترویج علم و ادب و تقویت پیروان تشیع و کوشش او در آبادی بلاد و آسایش عباد و تالیفات سودمنداو که هریک در حد خود قابل تحسین و اعجاب است چنانکه باید و شاید اطلاع ندارند

صاحب ابن عباد در عصر خود بحدی محترم و محبوب بوده است که اهالی ری پس از مرگش در برابر جنازه اش بیخاک افتادند و جسد بی روح او را که دیگر منشأ اثر و مصدر نفع و ضرری نبود سجده بردند و این حرمت و محبوبیت که دیگری از رجال سیاسی مشرق زمین را حاصل نشده بدیهی است که بی سبب و جهتی نبوده و برای پی بردن بجهات و اسباب همین محبوبیت و حرمت بی نظیر هم باشد لازم است که این مرد بزرگ را بشناسیم و از چگونگی آثار مادی و معنوی او و تاثیر آن در اوضاع اجتماعی و مخصوصا در حرکت علمی و ادبی قرن چهارم هجری مطلع گردیم